

یادداشت

دیپلماسی روی لبه بحران سفر ترامپ به چین و آینده ایران



هانی رستگاران

روزنامه‌نگار

سیاست جهانی بار دیگر در نقطه‌ای ایستاده که فاصله میان «مذاکره» و «مواجهه»، نه به اندازه یک جنگ، بلکه گاه به اندازه یک جمله در پشت درهای بسته است. سفر اخیر دونالد ترامپ به پکن را نیز باید در همین چارچوب فهم کرد؛ سفری که برخلاف ظاهر اقتصادی و تجاری‌اش، در لایه‌های پنهان خود حامل مجموعه‌ای از پیام‌های ژئوپلیتیکی درباره چین، ایران، نظم جهانی و حتی آینده امنیت بین‌الملل است. در جهان امروز، دیگر هیچ سفر مهمی صرفاً «دو جانبه» نیست. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا راهی پکن می‌شود، در واقع هم‌زمان با چند پایتخت گفت‌وگو می‌کند؛ از تهران و مسکو گرفته تا بروکسل، تل‌آویو و ریاض. به همین دلیل، تحلیل این سفر صرفاً با تکیه بر مناسبات اقتصادی میان واشینگتن و پکن، تحلیلی ناقص و سطحی خواهد بود. آنچه اکنون در حال شکل‌گیری است، بازتعریف توازن قدرت در دورانی است که آمریکا از یک سو درگیر فرسایشی اقتصادی و بحران‌های داخلی است و از سوی دیگر، چین آرام‌آرام در حال تبدیل‌شدن به ستون دوم نظام جهانی است. در این میان، ایران نه یک موضوع فرعی، بلکه یکی از نقاط ثقل اصلی گفت‌وگوهای پشت پرده به شمار می‌رود. واقعیت آن است که واشینگتن امروز با یک معادله پیچیده روبه‌روست. آمریکا می‌خواهد هم‌زمان چند هدف را محقق کند: مهار چین، کنترل روسیه، مدیریت بحران اوکراین، حمایت از اسرائیل، حفظ امنیت انرژی و جلوگیری از افزایش قیمت نفت. اما مسئله اینجاست که تحقق همه این اهداف، بدون نوعی «مدیریت بحران با ایران» تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد.

ترامپ برخلاف بسیاری از رؤسای جمهور سنتی آمریکا، سیاست خارجی را نه از منظر ایدئولوژی، بلکه از دریچه معامله‌مندی می‌بیند. برای او سیاست چیزی میان تجارت، فشار روانی و نمایش رسانه‌ای است. از همین رو، سفر به پکن را نیز باید بخشی از یک بازی چندلایه دانست؛ بازی‌ای که در آن چین می‌تواند هم شریک اقتصادی آمریکا باشد و هم رقیب استراتژیک آن. در این چارچوب، چند سناریوی مهم درباره آینده روابط آمریکا، چین و ایران قابل تصور است: نخستین سناریو، «دیپلماسی تحت فشار» است؛ همان مدلی که در سال‌های گذشته بارها تجربه شده. در این الگو، آمریکا سطح تهدیدات نظامی و فشارهای روانی را افزایش می‌دهد، اما عملاً وارد جنگ گسترده نمی‌شود. هدف، کنشاندن طرف مقابل به میز مذاکره از موضع ضعف است. نشانه‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد کاخ سفید فعلاً همین مسیر را ترجیح می‌دهد. اقتصاد جهانی در شرایط شکننده‌ای قرار دارد. بازار انرژی تحمل یک شوک تازه را ندارد. اروپا هنوز از تبعات جنگ اوکراین خارج نشده و چین نیز با کاهش رشد اقتصادی و بحران بازار مسکن مواجه است. در چنین شرایطی، هرگونه درگیری مستقیم در خلیج فارس می‌تواند قیمت نفت را به شکل جهشی افزایش دهد و موج تازه‌ای از تورم جهانی ایجاد کند؛ رخدادی که نه به سود واشینگتن است و نه به سود پکن. از همین منظر است که برخی تحلیلگران حضور چهره‌های اقتصادی و فناوری در حاشیه این سفر را معنادار می‌دانند. پیامی که از این همراهی مخاربه می‌شود، آن است که «اقتصاد هنوز اولویت نخست است». جهان در آستانه ورود به عصر جدید رقابت فناوری، هوش مصنوعی و زنجیره‌های نوین تامین قرار دارد و آمریکا نمی‌خواهد همه چیز را قربانی یک درگیری بره‌زنده دیگر در خاورمیانه کند. اما سناریوی دوم، به مراتب پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است: سناریوی «اولیت‌ماتوم بزرگ». براساس این تحلیل، واشینگتن تلاش دارد از نفوذ اقتصادی و سیاسی چین بر ایران استفاده کند تا تهران را به پذیرش نوعی توافق جدید سوق دهد. در این نگاه، پکن تبدیل به واسطه‌ای می‌شود که باید میان ایران و آمریکا نوعی تعادل ایجاد کند. چین در سال‌های اخیر نشان داده که برخلاف غرب، تمایل دارد بحران‌ها را نه از طریق ائتلاف‌های نظامی، بلکه با ابزار اقتصاد کنترل کند. توافق راهبردی تهران-پکن، وابستگی چین به انرژی خلیج فارس و حضور فزاینده این کشور در پروژه‌های زیرساختی منطقه، همه نشان می‌دهد که پکن علاقه‌ای به آشفتگی امنیتی در غرب آسیا ندارد. بااین‌حال، پرسش مهم اینجاست که آیا چین حاضر است برای کمک به آمریکا، بر ایران فشار واقعی وارد کند؟ پاسخ این پرسش چندان ساده نیست. چین از یک سو به ثبات منطقه نیاز دارد، اما از سوی دیگر، گرفتارماندن آمریکا در بحران‌های خاورمیانه را نیز کاملاً برخلاف منافع خود نمی‌بیند. هرچه تمرکز واشینگتن بر خلیج فارس و غرب آسیا بیشتر باشد، فشار آمریکا بر شرق آسیا و مسئله تایوان کاهش می‌یابد. این همان چیزی است که برخی تحلیلگران غربی از آن با عنوان «تله استراتژیک چین» یاد می‌کنند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

اگر این قید را از عبارت «صوت و تصویر فراگیر» حذف کنیم، تمام ساختار استدلال فرو می‌ریزد. زیرا محل اختلاف حقوقی، اصل وجود محتوای صوتی و تصویری در فضای مجازی نیست؛ اختلاف دقیقاً ناظر بر این پرسش بنیادین است که آیا خدمات نمایش خانگی و رسانه‌های مبتنی بر تقاضا، از حیث ماهیت فنی و حقوقی، اساساً در قلمرو مفهوم «فراگیر» قرار می‌گیرند یا خیر. این پرسش، صرفاً یک اختلاف لغوی یا فنی نیست؛ مرز میان «صلاحیت» و «مقدان صلاحیت» دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود. در حقوق عمومی، واژه‌ها قلمرو اقتدار را تعیین می‌کنند و هر توسعه‌ای در معنای الفاظ می‌تواند به توسعه دامنه مداخله حاکمیت بینجامد.

ساترا در پاسخ خود، نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۹۷۹ شورای محترم نگهبان را مهم‌ترین پشتوانه حقوقی ادعای خویش معرفی می‌کند؛ باین‌حال، نکته‌ای که عمداً یا سهواً نادیده گرفته می‌شود، بستر تاریخی و فنی این نظریه است. نظریه مذکور در سال ۱۳۷۹ صادر شده؛ زمانی که اساساً فهم حقوقی از رسانه بر مدار broadcast کلاسیک می‌چرخید؛ بخش عمومی، هم‌زمان، یک سوویه و فراگیر. حتی متن خود نظریه نیز دقیقاً همین معنا را بازتاب می‌دهد؛ آنجا که از «سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر» مانند فرستنده، ماهواره و شبکه‌های کابلی سخن می‌گوید؛ یعنی مدل سنتی پخش عمومی؛ مدلی که ماهیت آن بر انتشار هم‌زمان برای عموم مردم استوار است.

اما خدمات نمایش خانگی و پلتفرم‌های VOD اساساً بر مدل دیگری استوار هستند. در این خدمات، کاربر زمان مشاهده را خودش انتخاب می‌کند، محتوا را به صورت فردی برمی‌گزیند، رابطه‌ای مبتنی بر درخواست میان او و پلتفرم شکل می‌گیرد و چیزی به نام «پخش هم‌زمان عمومی» وجود ندارد. این ساختار، از حیث فنی و حقوقی، تفاوتی بنیادین با broadcast کلاسیک دارد.

بنابراین مسئله اصلی این نیست که «صوت و تصویر» وجود دارد یا نه؛ مسئله این است که آیا این خدمات اساساً «فراگیر» هستند یا خیر.

اگر بنا باشد هر محتوای ویدئویی آنلاین، صرفاً به اعتبار تصویری بودن، ذیل مفهوم «فراگیر» قرار گیرد، دیگر قید «فراگیر»، در عبارت «صوت و تصویر فراگیر» هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت. در این صورت، واژه‌ای که باید مرز صلاحیت را محدود کند، عملاً به ابزاری برای توسعه بی‌پایان صلاحیت تبدیل می‌شود. حال آنکه در حقوق، الفاظ زائد نیستند؛ قانون‌گذار وقتی قیدی را وارد متن می‌کند، قصد محدودسازی دارد. نه توسعه نامحدود مفهوم. حذف اثر حقوقی قید «فراگیر»، در واقع حذف مرز صلاحیت است.

ساترا سپس به ابلاغیه سال ۱۳۹۴ مقام معظم رهبری استناد می‌کند و آن را دلیل قطعی صلاحیت انحصاری خود می‌داند. بی‌تردید ابلاغیه‌های رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی واجد اعتبار و آثار مهم حقوقی‌اند؛ اما مسئله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که میان «تعیین سیاست کلان» و «ایجاد رژیم تفصیلی صلاحیت» خلط صورت می‌گیرد. در دولت موقت، تحدید آزادی‌ها باید مستند به قانون عادی روشن، دقیق و قابل پیش‌بینی باشد.

ابلاغیه می‌تواند مرجع سیاست‌گذار را مشخص کند، ولی تعریف قلمرو صلاحیت، تعیین ضمانت اجرا، حدود مداخله و سازوکار اعمال اقتدار، همگی نیازمند چارچوب قانونی صریح هستند.

مهم‌تر آنکه در همان ابلاغیه نیز تعبیر به‌کاررفته «صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» است، نه مطلق محتوای تصویری در فضای مجازی. اگر مقصود همه اشکال محتوای ویدئویی آنلاین بود، اساساً نیازی به استفاده از قید «فراگیر» وجود نداشت. وجود همین قید نشان می‌دهد که موضوع

ابلاغیه، نوع خاصی از رسانه‌های صوتی و تصویری بوده

است، نه تمام اشکال خدمات محتوایی آنلاین.

در واقع، استناد ساترا به همین ابلاغیه، ناخواسته مهم‌ترین پرسش علیه خود این نهاد را برجسته می‌کند: آیا نمایش خانگی اساساً «فراگیر» است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، باید توضیح داده شود که چگونه رسانه‌ای مبتنی بر انتخاب فردی، فاقد پخش هم‌زمان عمومی، بدون کنداکتور و وابسته به درخواست کاربر، امکان در همان طبقه حقوقی broadcast کلاسیک قرار گرفته است. و اگر پاسخ منفی باشد، بخش مهمی از بنیان استدلال فرو می‌ریزد.

استناد به اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی نیز برخلاف آنچه در پاسخ ساترا القا می‌شود، مسئله را حل نمی‌کند. اصل ۴۴، صادوساسماً را در قلمرو بخش دولتی قرار می‌دهد؛ یعنی آن را در جایگاه یک متصدی و بازیگر اقتصادی می‌نشاند، نه یک تنظیم‌گر مستقل و بی‌طرف. در ادبیات حقوق تنظیم‌گری، تفکیک میان «متصدی» و «تنظیم‌گر» از بنیادی‌ترین اصول است. نهادی که خود تولیدکننده محتوا، دارنده پلتفرم، برخوردار از بودجه عمومی و بازیگر اصلی بازار رسانه است، اگر هم‌زمان مرجع صدور مجوز، نظارت و اعلام تخلف رقیا نیز باشد، مسئله صرفاً اعمال صلاحیت نیست؛ مسئله شکل‌گیری تعارض منافع ساختاری است. تنظیم‌گر زمانی معنا دارد که بیرون از میدان رقابت بایستد، نه در مرکز آن.

اصل ۱۷۵ نیز اساساً درباره سازمان صادوسایما و نحوه اداره و نظارت بر آن سخن می‌گوید، نه درباره تمام اشکال رسانه در فضای مجازی. نه در متن اصل، نه در مذاکرات تدوین قانون اساسی و نه در منطق تاریخی آن، سخنی از خدمات رسانه‌ای مبتنی بر اینترنت و نمایش خانگی وجود ندارد. توسعه قلمرو این اصل به همه اشکال محتوای آنلاین، بیش از آنکه تفسیر حقوقی باشد، توسعه نهادی صلاحیت است. در حقوق اساسی، سکوت قانون اساسی را نمی‌توان با تفسیر موسع به صلاحیت انحصاری تبدیل کرد؛ به‌ویژه زمانی که موضوع مستقیماً با آزادی‌های بنیادین جامعه ارتباط دارد.

ساترا در ادامه به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد می‌کند و آن را «منص صریح» می‌نامد، اما حتی با پذیرش اعتبار هنجاری مصوبات شورا، همچنان این پرسش اساسی پابرجاست که آیا می‌توان محدودسازی گسترده آزادی‌های فرهنگی و رسانه‌ای را بدون قانون عادی جامع و شفاف توجیه کرد؟ تفاوت مهمی وجود دارد میان «اعتبار مقرر» و «کفایت آن برای تحدید حقوق بنیادین». هرچند شورای عالی انقلاب فرهنگی واجد جایگاه خاص در ساختار حقوقی کشور است، اما صلاحیت آن ماهیتاً سیاست‌گذارانه و موضوع‌محور است، نه قانون‌گذاری عام به معنای مقرر در اصول ۷۱ و ۷۲ قانون اساسی.

به همین دلیل، حتی اگر مصوبات شورا را لازم‌الاجتایع بدانیم، باز هم این مصوبات نمی‌توانند جایگزین قانون عادی شفاف و مضیقی شوند که قرار است حدود مداخله در آزادی بیان، آزادی هنر و فعالیت رسانه‌ای را تعیین کند. هرچه دامنه مداخله حاکمیت در حوزه آزادی‌های عمومی وسیع‌تر شود، ضرورت اتکای آن به قانون مقرر و مضیق نیز بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت، اصل قانونی بودن محدودیت‌ها که از بنیادهای دولت حقوقی است، عملاً تهی از معنا خواهد شد.

استناد به قوانین بودجه نیز از حیث حقوقی چندان راهگشا نیست. قانون بودجه ذاتاً قانونی موقت و یک‌ساله با

کارکرد مالی است. نه ابزار تأسیس نهاد حاکمیتی و نه منشأ اعطای صلاحیت انحصاری. ذکر نام یک نهاد در تبصره‌های بودجه ییا پیش‌بینی اعتبار برای آن، در نهایت به معنای شناسایی اجرائی و مالی آن نهاد است، نه اعطای صلاحیتی که به‌طور مستقیم با آزادی بیان، آزادی هنر و حقوق فرهنگی

در نقد پاسخ ساترا وقتی اقتدار خود را صلاحیت می‌نامد

شهروندان گره خورده باشد.

درخصوص رأی شماره ۱۰۵۶۹۷۱ هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری نیز باید از قرانت‌های اغراق‌آمیز پرهیز کرد. این رأی صرفاً به معنای آن است که هیئت تخصصی، دستورالعمل ساترا را در آن مقطع واجد مغایرت آشکار و صریح با قوانین ندانسته است، نه اینکه به‌طور قطعی و مطلق، صلاحیت انحصاری ساترا بر نمایش خانگی را تأسیس کرده باشد. تفاوت میان «ابطال‌شدن یک دستورالعمل» و «احراز صلاحیت انحصاری قانونی»، تفاوتی بنیادین است؛ به‌ویژه آنکه خود موضوع اختلاف، دقیقاً بر سر همین پرسش است که آیا «صوت و تصویر فراگیر» شامل خدمات مبتنی بر تقاضا می‌شود یا خیر؟ وقتی مفهوم اصلی محل اختلاف تفسیری است، طبیعی است که رأی هیئت تخصصی نیز نتواند این اختلاف نظری را به قطعیت تقنینی تبدیل کند. حتی در متن رأی نیز استدلال اصلی بر یک نظریه تفسیری سال ۱۳۷۹ و مفهوم «پخش فراگیر» استوار شده است؛ مفهومی که خود محل اختلاف و موضوع اصلی نزاع است. بنابراین رأی هیئت تخصصی بیش از آنکه پاسخ نهایی به مسئله باشد، بازتاب همان اختلاف تفسیری موجود است.

حتی استناد به دادنامه شماره ۳۱۴۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز برخلاف آنچه در پاسخ ساترا القا می‌شود، پایان‌بخش اختلاف نیست. دیوان عدالت اداری مرجع کنترل مشروعیت مقررات اداری است، نه مرجع نهایی تعیین مرز آزادی رسانه یا توسعه صلاحیت‌های انحصاری. اینکه دیوان در پرونده‌های نیز نتواند مقررهای را خلاف قانون تشخیص ندهاد، به معنای حل قطعی همه اختلافات تفسیری درباره حدود صلاحیت ساترا نیست؛ به‌ویژه در حوزه‌ای که اساساً قانون جامع و صریح درباره آن وجود ندارد.

در بخش پایانی پاسخ ساترا، تلاش شده نقد حقوقی نسبت به حدود صلاحیت این نهاد، به‌نوعی بی‌اعتنایی به قوه قضائیه تعبیر شود؛ استدلالی که بیش از آنکه حقوقی باشد، احساسی و سیاسی است. نقد یک نهاد اداری، تعرض به دستگاه قضائی نیست، بلکه دقیقاً دفاع از شان قاضی و اصل حاکمیت قانون است. قاضی صرفاً دریافت‌کننده گزارش مقام اداری نیست؛ مرجع احراز مشروعیت همان مقام می‌ست.

استناد به ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کفیری نیز زمانی معنا پیدا می‌کند که صلاحیت مقام اعلام‌کننده روشن، قانونی و غیر مورد مناقشه باشد. وقتی اصل حدود صلاحیت محل اختلاف جدی حقوقی است، گزارش مقام اداری نمی‌تواند خودبه‌خود منشأ مشروعیت شود. اتفاقاً شان قاضی اقتضا می‌کند که چنین صلاحیتی را مستقلاً و با تکیه بر اصل قانونی بودن محدودیت‌ها، اصل تفسیر مضیق صلاحیت‌ها و سلسله‌مراتب منابع حقوقی بررسی کند.

در نهایت، پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا قانون، با صراحت و شفافیت لازم، نمایش خانگی و خدمات VOD را مصداق «صوت و تصویر فراگیر» دانسته است؟ پاسخ حقوقی منصفانه آن است که خیر. آنچه امروز مشأخده می‌شود، بیش از آنکه محصول یک قانون‌گذاری شفاف باشد، نتیجه توسعه تدریجی تفسیرها برای گسترش قلمرو اقتدار اداری است.

و شاید دقیقاً همین‌جا باید نگران شد؛ زیرا آزادی‌ها معمولاً یکباره از میان نمی‌روند؛ ابتدا فقط یک واژه، کمی موسع‌تر تفسیر می‌شود، بعد یک مفهوم، اندکی کنش‌دارتر معنا می‌شود و سرانجام، نهادی که روزی قرار بود صرفاً ناظر بر «رسانه فراگیر» باشد، آرام‌آرام خود را مرجع همه چیز می‌بیند؛ نه چون قانون صریحاً چنین گفته، بلکه چون در سایه تفسیرهای موسع، اقتدار اداری آن‌قدر گسترش یافته که کمک‌م می‌کوشد خود تفسیر را جایگزین قانون کند.

یادداشت

یک دولت وسه شرکت

ادامه‌از صفحه اول

غیر از اینها، به صورت کلان شورای رقابت نیز وجود دارد که ازجمله وظایف آن مقابله با انحصار و مقررات بازار است. باید توجه داشته باشیم که اینترنت در انحصار کامل شرکت زیرساخت و دولت است و سه اپراتوری که نام بردیم، به‌طور انحصاری اینترنت پرو می‌فروشند. به همین دلیل ایسن موضوع به شورای رقابت نیز مرتبط است. دولت در این شورا چندین نماینده دارد و رئیس شورا نیز با حکم رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. اولین نتیجه‌ای که از این اطلاعات ساده به دست می‌آید، این است که دولت، مطلقاً نمی‌تواند از نحوه عملکرد این شرکت‌ها و چگونگی فروش اینترنت پرو ابراز بی‌اطلاعی کند. رشته اینترنت از نظر حقوقی کاملاً در اختیار دولت است. اگر پشت پرده جریان‌ها یا نهادهای دیگری در مورد اینترنت اعمال قدرت می‌کنند و مسا آن بی‌خبریم، باز هم چیزی از مسئولیت دولت نمی‌کاهد. با توجه به نقش و سهم دولت در سازمان‌ها و شرکت‌های اصلی متولی اینترنت، ادعای بی‌خبری از آنچه درباره مسدودسازی و اینترنت می‌گذرد، نمی‌تواند راست باشد. اگر هم این ادعا راست باشد، نشان از نداشتن اهلیت حرفه‌ای آنهاست. از سوی دیگر، دولت باید به وظایفی که دارد عمل کند.

چرا عموم مردم از دسترسی به اینترنت آزاد محروم شده‌اند؟

سه اپراتور براساس چه مجوزی اینترنت پرومی‌فروشند؟

این قیمت‌گذاری گزاف و سنگین بر پایه چه ضابطه‌ای صورت گرفته است؟

به چه دلیل سازمان تنظیم مقررات که مستقیماً زیر نظر وزارت ارتباطات فعالیت می‌کند، هیچ اقدامی برای جلوگیری از ایسن اقدام بی‌قاعده اپراتورها و حمایت از حقوق کاربران نمی‌کند؟ چرا شورای رقابت که رئیس آن با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود و در موارد بسیار زیادی وارد می‌شود، نسبت به فروش اینترنت پرو و انحصاری که در اینترنت ایجاد شده کاملاً بی‌اعتناست؟ اینک که شرایط کشور

به وضعیت عادی نزدیک شده است. چرا اینترنت بین‌المللی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد؟ چگونه است که یک دولت عظیم که در تمام امور زندگی ملت مدخلیت دارد و هیچ کاسب و تاجر و کارمند و معلم و دانشجویی بدون اجازه او کاری نمی‌کند این‌گونه در برابر سه شرکت فروشنده اینترنت پرو که سهامدار اصلی آنها دولت و نهادهای دولتی هستند، منفعل است؟ فرض کنیم نهادهای دیگری هستند که از فروش غیرقانونی اینترنت پرو حمایت می‌کنند؛ چرا دولت همین را نمی‌گوید؟ سه اپراتور با فروش اینترنت پرو حق ذاتی ملت را به قیمتی عجیب به آنها می‌فروشند؛ شبیه این است که حق نفس‌کشیدن را بفروشند. براساس قوانین و مقررات، مسئولیت سلب حق اساسی ملت در مورد اینترنت تماماً بر عهده دولت است.

| | | | | | |
|----------|----------|----------|----------|----------|--|
| ۶ | ۴ | ۳ | ۷ | ۱ | |
| | ۵ | | | | |
| ۳ | | ۷ | ۹ | | |
| | ۵ | ۶ | | | |
| ۱ | ۲ | | ۳ | ۸ | |
| | ۵ | ۱ | | | |
| ۲ | | ۸ | ۹ | ۷ | |
| | ۸ | ۶ | | | |

| | | | | | |
|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| ۸ | ۴ | ۱ | ۵ | ۹ | |
| | | ۸ | | ۵ | |
| ۳ | ۷ | ۹ | ۱ | ۸ | |
| | | ۸ | ۳ | ۶ | ۲ |
| ۲ | ۶ | | ۵ | ۴ | ۷ |
| | | ۶ | ۵ | ۴ | ۷ |
| ۱ | ۹ | ۳ | ۵ | ۸ | |
| | | ۳ | | | |
| ۶ | ۲ | ۸ | ۵ | ۶ | |

سودوکو سخت ۴۳۱۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۳۱۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۳۱۷

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | ۳ | ۸ | ۱ | ۵ | ۹ | ۴ | ۶ | ۷ |
| ۱ | ۶ | ۷ | ۳ | ۸ | ۲ | ۵ | ۹ | |
| ۹ | ۵ | ۴ | ۶ | ۷ | ۳ | ۱ | ۸ | ۲ |
| ۷ | ۸ | ۲ | ۵ | ۳ | ۹ | ۱ | ۴ | ۶ |
| ۵ | ۴ | ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۸ | ۳ | ۲ |
| ۳ | ۱ | ۹ | ۲ | ۸ | ۵ | ۷ | ۶ | |
| ۴ | ۹ | ۱ | ۸ | ۳ | ۶ | ۷ | ۲ | ۵ |
| ۶ | ۲ | ۵ | ۷ | ۴ | ۱ | ۳ | ۹ | ۸ |
| ۸ | ۷ | ۳ | ۲ | ۹ | ۵ | ۶ | ۱ | ۴ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۷ | ۶ | ۹ | ۸ | ۵ | ۴ | |
| ۳ | ۸ | ۹ | ۴ | ۱ | ۶ | ۲ | ۷ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۷ | ۳ | ۲ | ۱ | ۸ | ۹ |
| ۷ | ۹ | ۵ | ۱ | ۲ | ۵ | ۸ | ۴ | ۳ |
| ۲ | ۶ | ۳ | ۹ | ۸ | ۴ | ۷ | ۶ | ۱ |
| ۸ | ۱ | ۴ | ۳ | ۶ | ۷ | ۵ | ۹ | ۲ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۴ | ۷ | ۲ | ۱ | ۶ | ۹ |
| ۴ | ۶ | ۱ | ۲ | ۵ | ۳ | ۷ | ۹ | ۸ |
| ۹ | ۷ | ۲ | ۸ | ۱ | ۶ | ۴ | ۳ | ۵ |

حل جدول ۵۳۲۱

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| د | ن | | | | | ا | د | ر | خ | س | | | | م |
| ن | ل | | | | | ف | ر | ج | ن | ج | | | | ل |
| ا | ل | | | | | ا | ج | ز | خ | ی | | | | و |
| ح | ر | | | | | ر | ی | د | | | | | | و |
| چ | و | | | | | ک | ل | د | ا | ن | | | | ر |
| و | ی | | | | | ن | ب | ا | ل | ر | | | | س |
| ا | ی | | | | | ج | ا | ز | ب | ر | | | | ا |
| م | ا | | | | | ک | ت | ا | و | م | | | | خ |
| د | م | | | | | ر | م | س | ل | ا | | | | ا |
| ک | ت | | | | | ه | ک | ب | ا | ب | | | | ا |
| ل | ا | | | | | و | ی | | | | | | | ه |
| ب | و | | | | | ر | ش | ا | و | ع | | | | ا |
| س | ی | | | | | ا | ق | ا | ر | ن | | | | ی |
| و | ک | | | | | ت | ی | ت | ی | ا | | | | س |
| ز | ی | | | | | ا | ط | ل | س | ل | | | | س |

افقی:

۱- کلیپ- نقاش هلندی قرن هفدهم و خالق تابلوی توفان در دریای گالیه ۲- لارم- بوی خوش- شاخه‌ای از ریاضیات ۳- میوه سوسو- نامشخص- نام چشمه‌ای در بهشت ۴- حشره‌ای خونخوار- کیسه‌کش حمام- آسایش و آرامش ۵- بیکار- مثل و مانند- شهری در استان کردستان ۶- میدان شهری- شخصی- کاستی ۷- پستانداری گوشتخوار- پنهان‌شده- تکرارش نام نوعی بازی کودکانه است ۸- جلادهنده کفش- نوعی قلم رسم- زشت ۹- تعجب زانه- گلی زیبا- روز رستاخیز ۱۰- چین‌وچروک پوست- انتهای ناخن- مربوط به جامعه دارای تمدن ۱۱- ممحا- آستانه- ضایعه سطحی پوست ۱۲- معطر و خوشبو- از اجزای تخم‌مرغ- خسیس پس نمی‌دهد ۱۳- هم‌زمانی- محل- کاشف قانون وراثت ۱۴- دانش ذاتی- سامانه تسویه ناخالص آبی- قلعه تاریخی سمنان ۱۵- کتاب آزمون رانندگی- بمب دستی

عمودی:

۱- پرافتخارترین قهرمان تیسس گرند اسلم در فضای مجازی- ۲- پیکره نمایش مدل لباس- از شرکت‌های خودروساز ایتالیایی- نوعی آینه ۳- کلمه پرسش- بیان‌کردن- سماوی ۴- حافظه اصلی کامپیوتر- پسندیدن در فضای مجازی- از ماه‌های رومی ۵- عسکر- مکان‌ها ۶- حمام- پاقوت سرخ- پسوند شباهت ۷- رقیق- پایتخت مالدیو- سخن‌چین ۸- از اندام تنفسی بدن- داستانی منظوم از نظامی کنجوی- برنج پخته نرم ۹- سرخ- خواب خوش- صفت باد ۱۰- ماه شاعرانه-